

شرح خطبه فدک بخش پنجم

در ادامه خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا "ع" به این قسمت رسیدیم که حضرت توحیدیه خود و حمد و ثنای الهی را بازگو کردند، اصل نبوت و شرایط بعثت پیامبر و یزگیهای خاص ایشان را که بادلهای مردمان چه کرد را نیز مطرح کردند.

حال: "ثُمَّ أَلْتَفَتَ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ" آنگاه مستقیماً رو کردند به کسانی که در مسجدنشسته بودند. "وَقَالَتْ أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ" گفتند: شما ای بندگان خدا ؛ "نُصِبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ" شما مخاطبان امر و نهی الهی هستید ؛ "وَحَمَلَهُ دِينَهُ وَ وَحْيَهُ" خدا دین و وحیش را به دوش شما بار کرده و به امانت نهاده است ؛ "وَأَمْنَا اللَّهُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ" شما نسبت به جانهای خودتان امین هستید، خدا اماناتی را در وجود شما قرار داده است ؛ "و بُلِّغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَّمِ" شما پیغمبر را دیدید و مستقیم کتاب او را فرا گرفتید. شما وظیفه دارید که به امتهای دیگر کتاب رسول خدا را برسانید. "و زَعَمْتُمْ حَقُّ لَكُمْ لَيْلَهُ فِيكُمْ وَعَهْدُ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ" خدا با شما پیمانها بسته است و شما در قبال پیمانتان نسبت به خدا تعهداتی دارید ؛ "و بَقِيَهُ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ" خدایک اماناتی را هم پس از پیامبر در میان شما باقی نهاده است که اینها در میان شما جایگزین خواهند بود.

- وصف قرآن:

"كِتَابُ اللَّهِ الْنَاطِقُ" اولین امانت نزد شما کتاب الله ناطق است. بانوی مکرم اسلام بعد از سه اصل دین ، اولین چیزی که امت را به آن متوجه می کنند قرآن است. (حضرت در این قسمت از خطبه به وجوه مختلف قرآن اشاره میکند. گاه از احکام، گاه از اخلاقیات، گاه از ادله و براهین) فرمود کتاب خدا کتابی است که سخن می گوید. قرآن ساکت نیست بلکه سخن می گوید ؛ "وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ" و قرآنی که سراسر آن صدق است. هیچ شائبه و شبهه ای در هیچ کجای آن نیست ؛ "وَالنُّورُ السَّاطِعُ" نوری که شعاع آن

فراگیر است ؛ "وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ" وروشنی ای که
برقش دارد، درخشندگی فوق العاده و خیره کننده
دارد ؛ "بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ" روشنگریهای قرآن واضح و
آشکار است ؛ "مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ" خداوند سبحان در
آن سرائر و بطون پنهان قرآن ، قوه انکشاف و
بازشدن و رسیدن به حقایق درونی را قرار داده
است ؛ "مُتَّجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ" ظواهر قرآن ، آشکاری و
نمودی دارد و قابل تمیز و تمایز از دیگر ظواهر
است "مُغْتَبِطَةٌ بِهٖ أَشْيَاعُهُ" قرآن ماهیت و حقیقتی
دارد که اگر کسی شیعه قرآن باشد دیگران غبطه
او را می خورند. (عبارت بسیار عبارت لطیفی
است) شیعه را بارها معنا کرده ایم، اگر کسی شبیه
قرآن شود، اگر کسی تقویت کننده قرآن باشد، اگر
کسی تابع قرآن باشد، اگر کسی به این سه معنای
واژه شیعه در حق قرآن برسد دیگران حسرت او را
خواهند خورد . این حسرت هم در حوزه فکر است هم
در حوزه زندگی و هم در حوزه مرام اجتماعی او ؛
"قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اِتِّبَاعُهُ" تبعیت از قرآن
راهنمایی است که شما را به بهشت رضوان الهی
رهنمون خواهد کرد. (در کلام عرب آنکه شتر را از
جلو می گیرد و پیش می راند قائد می گویند و
آنکه از عقب می راند سائق می گویند) تعبیر حضرت
قائد است یعنی پیشوا و پیش برنده ؛ "مُؤَدِّ إِلَى
النَّجَاهِ اِسْمَاعُهُ" شنیدن و شنواندن قرآن-به
دیگران- امت را به نجات می رساند. ؛ "بِهٖ تُنَالُ
حُجَجَ اللّٰهِ الْمُنَوَّرَهٗ" به کمک قرآن می توانید حجت های
خدا را بر خود پیدا کنید ، "وَعَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَهٗ"
می توانید خواسته های واجب خدا را بر خود در
کلام الهی ببینید ؛ "وَمَحَارِمُهُ الْمُخَدَّرَهٗ" آن
حرامهایی که خدا آن را بر شما پوشیده است در
قرآن می یابید ؛ "وَبَيِّنَاتُهُ الْجَارِيَهٗ" آن ادله
روشنی که به وسیله آن می توانید حرکت کنید در
قرآن قرار داده شده ؛ "وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَهٗ"
برهانهای قرآنی برای شما کافیست. اگر برسید به
ادله قرآنی به همه چیز رسیده اید ؛ "وَفَضَائِلُهُ

الْمَنْدُوبَةَ" فضائل پسندیده اخلاقی را می توانید در کلام خدا بیابید ؛ " وَ رُخَصَّهُ الْمَرْهُوبَةَ " آزادیهای مشروع و مباحات شرعی را هم در قرآن پیدا می کنید ؛ " وَ شَرَّايِعُهُ الْمَكْتُوبَةَ " و تاریخ انبیا الهی و ادیان گذشته را هم می توانید در قرآن بیابید .

- فلسفه احکام :

"فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ" (در اینجا پس از بیان کلی قرآن ، حضرت در باب فلسفه احکام سخن می گویند) خدا ایمان را وسیله و سببی قرار داد تا شما انسانها را از پلیدی شرک بشوید ؛ "وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ" خداوند نماز را واجب قرار داد که یکی از فوائد آن ، به فتوای صدیقه طاهره (ع) ، آن است که انسان را از کبر می شوید و پاک می کند. انسانی که بیش از یک بار در طول شبانه روز در محضر خداوند سر را بر خاک می گذارد، خشوعی در شخصیت او پیدا می شود.

"وَالزَّكَاةُ تَزْكِيَةٌ لِنَفْسٍ" زکات را خداوند قرار داد تا شما نفس خود را از راه کم کردن دلبستگی به مال پاک کنید ؛ " وَ نَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ " و این واجب رشد اقتصادی را برای شما به ارمغان می آورد و عدالت اجتماعی در جامعه ایجاد می کند ؛ " وَ الصَّيَامَ تَثْبِيثًا لِإِخْلَاصِ " روزه موجب افزایش اخلاص می شود. خالص ترین عبادات روزه است چون در دهان بستن ریایی نیست، مانند نماز در معرض عموم و دید و سمع مردمان نیست و از این رو: " أَلصُّومَ لِي " روزه از آن خداست ؛ " وَ الْحَجَّ تَشْدِيداً لِلدِّينِ " خدا حج را در اسلام قرار داد تا بنیاد دین قوی باشد. این حضور میلیونی حجاج در موقف پشت دنیا را تکان می دهد و شکوه و عزت مسلمانان را پابرجا می کند ؛ " وَالْعَدْلَ تَنْزِيهًا لِلْقُلُوبِ " خداوند برای اینکه دلهای شما را به مسیر واقعی خودش سوق بدهد شما را به عدالت دعوت کرد. عدل منظم کننده و تثبیت کننده تپش قلبهای جامعه است ؛ " وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِمَلَّةٍ " طاعت ما

خاندان- یعنی ولایت و امامت- را مایه نظم جامعه قرار داد ؛ " وَ إِمَامَتِنَا أَمَاناً مِّنَ الْفُرْقَةِ " اگر مردمان بر گرد امامت جمع گردند مصون از فرقت و تشتت خواهند بود ؛ " وَالْجِهَادُ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ " و جهاد مشروعیت پیدا کرد تا عزت و شوکت اسلام باقی بماند ؛ " وَ الصَّبْرُ مَعُونَةٌ عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ " و خدا صبر را عاملی قرار داد تا مردم بیشتر بتوانند به اجر و مزد الهی نزدیک شوند.